



مواظب دروغگویی کودکان باشیم/ دروغگویی کودک خطرناک است

دروغگویی یک بیماری روحی خطرناکی است که اگر در اسرع وقت درمان نیابد در فرصت کوتاهی کودک دروغگو به سایر انحرافات اخلاقی نیز آلوده خواهد شد.

خبرگزاری مهر- دروغگویی یک بیماری روحی خطرناکی است که اگر در اسرع وقت درمان نیابد در فرصت کوتاهی کودک دروغگو به سایر انحرافات اخلاقی نیز آلوده خواهد شد. دربرخی از خانواده‌ها دروغگویی کودکان، برای پدر و مادران مشکلات فراوانی به وجود آورده است، در چنین خانواده‌هایی روح اعتماد و اطمینان از بین رفته به جای آن بدبینی و بدگمانی جایگزین شده است.

دروغگویی همانند بیماری‌های جسمی در آغاز از یک امر بسیار ساده و کوچک آغاز می‌شود و اگر در اولین مراحل پیدایش، معالجه نشود و در درمان آن سهل انگاری به عمل آید، آن بیماری کوچک به تدریج به مرض مهلک و خطرناکی تبدیل خواهد شد.

آیا دروغگویی فطری است؟

تحقیقات دانشمندان همه حاکی است که کودک هیچ گونه آشنایی با دروغ ندارد و این محیط خانواده و یا مدرسه و یا اجتماع است که این زشتی را به او می‌آموزد. در روایات اسلامی این چنین وارد شده که صفحه ضمیر کودک از هر پلیدی و آلودگی برکنار است و این محیط خارج است که بدی‌ها را به او می‌آموزد.

علل دروغگویی

در بیماری‌های جسمی پزشک می‌کوشد در درجه اول به عامل بیماری پی برده و پس از شناخت آن به درمان می‌پردازد. تربیت صحیح و اصولی نیز ایجاب می‌کند که در درجه اول به انگیزه دروغگویی پی برده پس از آن به درمان دروغگویی پرداخت.

الگوهای بد

علی(ع) درباره تلقین‌پذیری و آمادگی ذهنی و فکری کودک می‌فرماید: «#171;قلب کودک همانند زمین بکر و آماده‌ای است که هرچه در آن کاشته شود بلافاصله پرورش می‌یابد»؛ بنابراین اولین آموزگاران کودک پدران و مادران هستند و کودک همانند شاگردی که هرچه ببیند و یا بشنود بر اساس تلقین‌پذیری همه را به جان و دل می‌پذیرد و آنها را جزء وجود خود قرار می‌دهد بدون اینکه به زشتی و زیبایی آن وقوف داشته باشد و این پدران و مادران هستند که ناخودآگاه کودک را به دروغگویی می‌کشاند و این در مکالمات و مناقشات و یا رویدادها و قراردادهای قوی و گفتاری به وجود می‌آید و از همین رهگذر کودک با خلاف واقع‌گویی آشنا می‌گردد. در برخی از موارد هم خود پدران و مادران زمینه دروغگویی را به دست خود برای کودکان فراهم می‌سازند مثل اینکه دروغگویی را به آنان تلقین بنمایند.

ترس از مجازات

یکی دیگر از علل دروغگویی کودکان ترس از مجازات است اگر کودکان می‌دانستند که پس از اقرار اعتراف به گناه و خطای خود از مجازات و توبیخ مصون خواهند ماند هرگز توسلی به دروغگویی نمی‌یافتند و در حقیقت توبیخ و تنبیه بزرگترها است که کودکان را به دروغگویی پناهندگی می‌دهد. بنابراین با کمال صداقت باید اعتراف کرد که در این مورد هم پدران و مادران بودند که کودکان را به دروغگویی واداشتند.

اگر پدران و معلمان در مواردی که کودکان عمل خلافی انجام داده اند با گشاده رویی با آنان برخورد کرده بدون تنبیه و توبیخ زبان‌های عمل خلاف را برایشان بازگو می‌کردند به طور قطع بسیاری از کودکان نیازی به دروغگویی نمی‌یافتند.

احساس کمبودها

در مواردی هم برخی از کودکان از نظر موقعیت وضع خانوادگی و محل زیست نسبت به دیگران احساس کمبود می‌نمایند. برای جبران این کمبودها به دروغ متوسل می‌شوند. تعلیم و تربیت خوب و احترام به ارزش‌های واقعی و انسانی سبب می‌گردد که کودکان به

بسیاری از امور ساده و پیش پا افتاده که فاقد ارزشمندی است بی توجه شده هرگز به خلاف‌گویی و دروغ متوسل نشوند.

بازسازی دروغ‌گویی

دروغ‌گویی دونوع، درمان پذیر است: یکی سطحی و دیگری واقعی. اما درمان سطحی آن است که مربی متوسل به توییح و تنبیه بدنی شده به این وسیله می‌کوشد با ایجاد رعب و سلطه‌جویی کودک را از دروغ گفتن بازدارد، بدیهی است که این روش درحد یک بازدارنده موقت ارزش دارد و هرگز نمی‌تواند یک عامل تربیتی به شمار آید.

ولی روش درمان واقعی آن است که مربی به جای تندى و خشونت تلاش کند انگیزه اساسی کودک را در دروغ‌گویی پی برده آن را بر طرف سازد. بدیهی است با برطرف شدن نیاز کودک روحیه زشت دروغ‌گویی نیز از او برکنار می‌شود.

ممکن است کودکی در شرایط خاصی به دروغ‌گویی اعتیاد داشته باشد بدیهی است کودک چون هنوز روحیاتش فرم و شکل استواری نیافته می‌توان با مراقبت‌های پی‌گیر آن عادت زشت کودک را به عادت نیکوی نوینی تغییر داده بازسازی به عمل آورد.

در خاتمه باید به این واقعیت نیز توجه داشت که دروغ‌گویی یک بیماری روحی خطرناکی است که اگر در اسرع وقت درمان نیابد در فرصت کوتاهی کودک دروغگو به سایر انحرافات اخلاقی نیز آلوده خواهد شد. امام حسن عسگری(ع) در این باره چنین فرموده است: اگر همه بدیها و زشتی‌ها در خانه‌ای انباشته شده باشد، کلید آن خانه دروغ است.